

پرفروش ترین رمان تخیلی آمریکا

یازده، تعریفی برای استفانی



نویسنده سری استفانی، هرگز به آن دست پیدا نکرد. «تصور شیرین استفانی» عنوان اولین کتاب ایوانوویچ است. کتابی که قبل از سال ۱۹۸۷ نوشته شد و خودش معتقد است که این کتاب جزو آثار حرفه ای محسوب نمی شود! برگرد به رخت خواب (۱۹۸۹)، ایوان هسمری انتخاب می کند (۱۹۸۹) و فصل (۱۹۹۰) دم کامل (۲۰۰۴) و... از جمله کتابهای این نویسنده تا قبل از تألیف کتاب مذکور به شمار می روند.

یاز هم استفانی، آمد استفانی پلام، قهرمان محبوب ایوانوویچ است. مثل بسیاری از نویسنده ها که انکار یا قهرمان داستان هایشان



علیرضا کیوانی نژاد

رمان نویسی باید مثل کودکان به چیزهایی باور داشته باشد که عقل سلیم برای آنها چندان ارزش قابل نیست. -سامرست موام

دیر زمانی است که ادبیات روز دنیا از شخصیت هایی تکراری بی بهره است. شخصیت هایی با ظرافت های رفتاری خاص که خواننده را مجاب می کند درپایشان را در آثار بعدی، دنبال کند. کمی عقب تر، در آثار پلیسی و جنایی، شخصیت هایی چون هولمز، هرکول پوآر، مگره و... وقتی چند از قهرمانان داستان های سیدنی شلدون این راه را به وجود آوردند که می توان مجموعه ای جذاب به ادبیات دنیای معری کرد که محور آن، تصمیم گیری یک فرد است. گو این که آن فرد استخدام شده باشد برای حل معمای جنایی. در چنین آثاری عموماً قهرمان داستان به نکاتی پی می برد و از آن پرده برداری می کند که با مخاطب به آنها توجهی نکرده - که ناشی از عدم توانایی در تصویرسازی ذهنی از فضای داستان است- و با علی رغم پی بردن به اهمیت آنها نتوانسته قطعات ممما یا پازل را کنار هم بچیند.

در آثار غیرپلیسی اما داستان به کلی متفاوت می شود. مارک تواین با «هاکل بری فین»، داستان هایی را خلق می کند سرشار و جذاب. حتی غم و اندوه هم با زیرکی خاصی در این روایت ها حضور دارند اما تحت لوای یک شوخی یا جمله ای طنزآلود. این نویسنده ها از توانایی خاص در تغییر رفتار شخصیت داستان برخوردارند و شاید مدرن ترین ادبیاتی که همین هنری چیناسکی داستان های بوگوسکی باشد.

با چنین مقدمه ای می توان پرفروش ترین کتاب تخیلی روز دنیا را مورد نقد و بررسی قرار داد. صحبت از یازده روزی را است. کتابی به قلم نویسنده بر کار و معروف، ژانست ایوانوویچ، آمریکایی. ایوانوویچ متولد ۲۲ آوریل ۱۹۴۲ در «سود بوره» ایالت نیوجرسی آمریکاست. نویسنده ای که به خاطر نوشتن مجموعه داستان هایی با تکیه به قهرمانی به نام «استفانی» صاحب شهرت و اعتباری روز افزون در ایالات متحده شد. او پس از به اتمام رساندن تحصیلاتش وارد کالج داکلاس می شود و بعد از چهار سال در حالیکه هنوز دانشکده را به اتمام نرسانده شروع می کند به نوشتن. در ابتدای کار مثل بسیاری از نویسنده ها، آثارش مورد توجه قرار نمی گیرد اما به مرور زمان، با اصلاح ساختار نوشتاری اش سعی می کند خود را در زمره نویسندگان ممتاز قرار دهد. کاری که تنها با کتاب یازده روی امریس سر شد و تا قبل از آن



یادداشت

درباره فاصله میان سینما و ادبیات در این سال ها

چه کسی چراغ ها را خاموش کرده است؟

علی حسینی

دارد، دلیلتش این است که هیچ معنایی نمی دهد جز این که وجود دارد. «نوشتر چنان را یازده نامی شده بلکه تنها حضور آن را شرح می دهد. اما نویسنده جهان هنوز از آن غرور و جوی خود را بیافشاند. لازم بود تا چند سالی گذشته و کتاب های سیاره ای بیشتر کند تا نوبت به اثر برجسته اش «یاد پرسد که در سال ۱۹۵۷ نوشتن آغاز می شود. تا پیش از این اثر هنوز سایه سنگین فاکتور، جویس، و دیگر نویسندگان بزرگ دوران بر آثار او سنگینی می کرد. و نتایج کار به همه این نویسندگان اثر می شد در آثار اولیه او مشاهده کرد. با نوشتن یاد پرسد علی در سال های آینده جادو فلاندر، کلود سیمون به یکی از بزرگترین نویسندگان قرن بیستم بدل می شود.

او که سال هایش نمی دانست انقلاب را برگزیده یا نقاشی را، سرانجام نوشتن را انتخاب کرد. کلود سیمون با ارجحیت دادن به توصیف رمان را متوجه کرد و در مورد نوشته های خود به دنبال این است که تا حد امکان تصاویری در نهایت دقیق شبیه روی خواننده بگذارد. او در همان براسم جزایزه نوبل گفته است: «من پیتر می توانم به مفهوم هر بیاندیشم تا به ادبیات. آخرن روشنگر نسیمه لیکه احساس می ام»

نویسنده بزرگ هیچ وقت آرزوی خود فکر نمی کرد که نامی نویسی از آنتونیشتن شعرت شود. پس از آنتونیشتن و نامی نویسی ایوانوویچ ها می آیدندیش که برای هر چند چیزها هم موجود برکتش به عنصر اولیه، مصالحه کاری و تیزبینی است. و مگر برای این است که یکی از رمان هایش درس چیز ها دارم؟

نشريات ادبی جهان

هری پاتر همه را تسخیر کرد

روزنامه «شیکاگو تریبون» برای آنهایی که سیاست را لحظه به لحظه دنبال می کنند، روزنامه ای است قابل اعتنا و نظر. در ۲۴ صفحه ای که هر صفحه اش می تواند کلی مطلب خواندنی داشته باشد. اما صفحات ۲۰ و ۲۱ روزنامه نوشته و در آن به تفصیل توضیح داده که چرا علی رغم تسلطی که به زبان عربی دارد، مطالبش را به

درباره کلود سیمون، رمان نویس فرانسوی

مرگ یک نویسنده مدرن فرانسوی

کلود سیمون، یکی از بزرگ ترین نویسندگان دوران ما و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۵ دوشنبه ششم ژوئیه در شهر پاریس در گذشت. او هنگام مرگ ۹۱ ساله بود. خبر انتشارات مینیوی روز نهم ژوئیه ساعتی پس از خاک سپاری نویسنده در گورستان مون مرتز بارپس، در اختیار خبرگزاری ها گذاشت. سال ۱۹۸۵ هنگام اصابه جایزه نوبل به کلود سیمون، لاس جیلستون عضو فرهنگستان سوئد برای توصیف نوشتار این نویسنده استعاره ای به کار برد: «زبان زندگی از سر می گیرد. واژگان و توصیفات زاد و ولد آغاز می کنند. متن رشد می کند انگار زبان اندام تازه ای زنده و مستقل است که سرشاخه هایش تکثیر می شوند و تخم هایش پراکنده می شوند. انگار نویسنده تنها ابزار یا واسطه ای در این نیروی خلاقه نبوده است.»

آری، درخت بهترین استعاره است. کلود سیمون نمونه ای کم یاب از درآمیختن انسان و اثر است. کتاب هایش از زیست او نیز خاطر انگیزه می کند. از ۱۹۴۷ و با نشر دومین اثرش با عنوان مطاب کشیده، کلود سیمون آشکارا شبیه درخت بوده است.

کلود سیمون ۱۰ اکتبر سال ۱۹۱۳ در شهر نانترانو، جایی که پدرش، یک افسر ارشد، مشغول به خدمت بود زاده شد. یک ساله بود که پدرش در جنگ کشته شد و کلود کوچک همراه با مادرش مصرانه دهکده های ویران مرز بلژیک را به جستجوی جسد پدر زیر پا گذاشت. سرانجام هم اندوه مرگ پدر، مادر را از پای در آورد و کلود سیمون در دامان خاله هایش رشد کرد. آنها در شهر سالی تا کاستان بزرگی داشتند درخت سیمون در همان جا با گرفتار. در آن مزرعه نویسنده پرشور پیوند انسان و طبیعت را دریافت. سپس برای تحصیلات متوسطه وارد دبیرستان آنتیسلانس پاریس شد. او تحصیلات خود را در آکسفورد و کمبریج ادامه داد. عشق به نقاشی او را به



آنتیه آندره لوت کشاند. با وجود پیکاسو هر کس ادعا کند نقاش است خود را به سخره گرفته است.

کلود سیمون به عکاسی هم می آورد. علی طای های در پی هیاوی همه سی اوامام اروپا را زیر پا می گذارد. در آلمان اتحاد جماهیر شوروی، ایتالیا، یونان، اومی کوشد تا معنای تاریخ خود را دریابد. اما این معنی را در سال ۱۹۴۶ در ک می کند. آن زمان که او برای یک سمپوزی اروپا اسیانایی مهمات جنگی تهیه می کرد. حسن کرده نام طریخ هم مصیبت می دهد.

در سال ۱۹۴۰ کلود سیمون از سلطوهران لشکر سی ویکم سورابه نظام همراه با گروهی از همزمزانش در جاده فلاندر گرفتار تاکت و هوولینیا های آلمانی می شود. او تنها بازمانده آن گروه نجات بود. به زندان می افتد اما موفق می شود از جنگ آلمان ها بگریزد و به سالس برگردد. در آن هنگام واقع شده در دل خانه هاولین کشایش «متقلب» را در چند نامه می نویسد و در سال ۱۹۴۵ نزد انتشارات سائزینر منتشر می کند. هر سال نادر نوشته های کمی می نوشت. نوشتن متقلب در ۱۹۴۱ (به پایان می رسد و می توانست در همان زمانی که بیگانه آبر کلوموشتر روانه بازار شود. در آن وقت می شد در باب محاسن این دو اثر بحث با کار کرد. «متقلب» به واقع اثری درخشان است.

هنوز می توانیم آن استعاره درخت را به کار بگیریم؛ تمامی بن ماهه های موجود در آثار کلود سیمون و همه تصاویر اصلی او که جایگاه شیکوفاکی روایت او هستند در متقلب حضور دارند. قریب به پنجاه سال بعد در سخنرانی که هنگام دریافت جایزه نوبل ایراد کرد هنوز می شد معنایی از این اثر را در دل جمله های او دید: «اگر جهان معنایی نداشته باشد، دلیلتش این است که هیچ معنایی نمی دهد جز این که وجود دارد. «نوشتر چنان را یازده نامی شده بلکه تنها حضور آن را شرح می دهد. اما نویسنده جهان هنوز از آن غرور و جوی خود را بیافشاند. لازم بود تا چند سالی گذشته و کتاب های سیاره ای بیشتر کند تا نوبت به اثر برجسته اش «یاد پرسد که در سال ۱۹۵۷ نوشتن آغاز می شود. تا پیش از این اثر هنوز سایه سنگین فاکتور، جویس، و دیگر نویسندگان بزرگ دوران بر آثار او سنگینی می کرد. و نتایج کار به همه این نویسندگان اثر می شد در آثار اولیه او مشاهده کرد. با نوشتن یاد پرسد علی در سال های آینده جادو فلاندر، کلود سیمون به یکی از بزرگترین نویسندگان قرن بیستم بدل می شود.

او که سال هایش نمی دانست انقلاب را برگزیده یا نقاشی را، سرانجام نوشتن را انتخاب کرد. کلود سیمون با ارجحیت دادن به توصیف رمان را متوجه کرد و در مورد نوشته های خود به دنبال این است که تا حد امکان تصاویری در نهایت دقیق شبیه روی خواننده بگذارد. او در همان براسم جزایزه نوبل گفته است: «من پیتر می توانم به مفهوم هر بیاندیشم تا به ادبیات. آخرن روشنگر نسیمه لیکه احساس می ام»

نویسنده بزرگ هیچ وقت آرزوی خود فکر نمی کرد که نامی نویسی از آنتونیشتن شعرت شود. پس از آنتونیشتن و نامی نویسی ایوانوویچ ها می آیدندیش که برای هر چند چیزها هم موجود برکتش به عنصر اولیه، مصالحه کاری و تیزبینی است. و مگر برای این است که یکی از رمان هایش درس چیز ها دارم؟

ندارد و اصطلاحاً غیرمنتظره است.

ضعف دیگر کتاب ژانست ایوانوویچ، طراحی اتفاقاتی است که عقل سلیم آنها را نباید می کند. بهتر است برای درک این واقعیت به جمله ابتدایی می طلب از سامرست موام برگردیم. می دانیم که کتاب یازده روی راس، اثری است تخیلی. پس خواننده انتظار دارد، در این کتاب با وقایعی روبرو شود که با مشابه آن را در دنیای اطرافش ندیده و با روایتی مانند آن را از کسی شنیده باشد. ایوانوویچ، به استفانی اجازه می دهد برای فرار از دست مردی که فکر می کند قاتل یا شکارچی اوست فرار کند، اما در این فرار تمام اجزا، هوشمندانه تعبیه نشده اند. شاید اگر اثر جذاب تری در کنار این کتاب در آمریکا نوشته شود، کتاب او هرگز در چنین جایگاهی قرار نگیرد. انتقادهای استفانی بر تمام خودها و این که بسامده حضورش در پاره ای از موارد، خواننده را از تئبیر و فکر درباره داستان دور می کند.

در حال کتاب، یازده روی راس کتابی جذاب است اما در این کتاب تمام اجزا، هوشمندانه تعبیه نشده اند. شاید اگر اثر جذاب تری در کنار این کتاب در آمریکا نوشته شود، کتاب او هرگز در چنین جایگاهی قرار نگیرد. انتقادهای استفانی بر تمام خودها و این که بسامده حضورش در پاره ای از موارد، خواننده را از تئبیر و فکر درباره داستان دور می کند.

یکی از خصوصیات رمان های بلند پایانی تکان دهنده است. مخاطب دوست دارد در عین جذاب بودن واژه ها، فضا سازی، شخصیت پردازی ها و حتی دیالوگها، پایان داستان را تصور و دسترس به دور باشد. غافل گیر شدن و جاذبه های، یکی از ارکان موفقیت رمان های بزرگ دیاست. در این کتاب اما پانینی غیرمنتظره در انتظار نیست

دیاست. در این کتاب اما پانینی غیرمنتظره در انتظار نیست و این شاید - که قطعاً - یکی از بزرگ ترین ضعف های کتاب به شمار می رود.

در قیاس با این کتاب می توان از «رمز داوینچی» نام برد. کتابی از دن براون که تمام قطعاتش چنان زیردستانه کنار هم چیده شده که گویی برنامه ای کامپیوتری در ترسیم آن دخیل بوده. پایان کتاب، به هیچ عنوان با شروع آن مطابقت

ادبیات و سینما بنامیم، خیلی هم به این نگاه تلمی.

نیمه غایب یکی از کتاب های برگزیده این دو دهه سال اخیر است. کتاب حسین سناپور که به لحاظ تصویری از عجیب ترین اتفاقات ممکن ادبیات ماست، چه در بین بزرگان و چه در میان اهل فرهنگ بسیار مورد تمجید قرار گرفته است. چراغ ها را خاموش می کنم و عادت می کنم از رویا بپردازم چه چنین خصیصه هایی دارند و کتاب های جعفر مدرس صادقی را هم چه دوست بداریم و چه نه، به هر حال ذهن خیلی از فیلسازان ایرانی را به خود مشغول کرده است.

چرا می توانیم این کتاب ها را به زبان تصویر برگردانیم؟ کیچند کارگردانان مطرح سینمای ایران که بتوانند با پشتوانه اقتباس های پیشین، این اتفاق های ادبی را تصویری کنند؟ مگر در هر چند کتاب منتشر می شود که در بین هر دو گروه فرهنگی، صاحب اعتبار و ابرو باشد؟

چهار

ساخت خاگوخنی جعفر مدرس صادقی به دست بهروز افخمی را، به حساب یک اتفاق بگذارید. گمان می کنم کارگردانان ما، کتاب خوانند را فراموش کرده اند. کتاب یازده روی راس، هری پاتر و شاهزاده دوره - که به بازار جهانی، روزنامه ۸۰ صفحه ای است. هر فرهنگی که میان سینما و ادبیاتش، این قدر فاصله افتاده است، باید حسود شود.

زبان فرانسه می نویسد. او دلایلی غیر از بین المللی تر بودن زبان فرانسه عنوان کرده که خوانندش خالی از لطف نیست.

اما بد نیست سری هم به زبیم به «دالاس مورنینگ نیوز» همناظر که در عکس صفحه اول این روزنامه نیز می بینید، آغاز فرقی جلد ششم کتاب را با عنوان «اوشن» اختصاص داده به ورود این کتاب به صفحه شاهزاده دوره - که به بازار جهانی، روزنامه ۸۰ صفحه ای است. هر فرهنگی که میان سینما و ادبیاتش، این قدر فاصله افتاده است، باید حسود شود.

زبان فرانسه می نویسد. او دلایلی غیر از بین المللی تر بودن زبان فرانسه عنوان کرده که خوانندش خالی از لطف نیست. اما بد نیست سری هم به زبیم به «دالاس مورنینگ نیوز» همناظر که در عکس صفحه اول این روزنامه نیز می بینید، آغاز فرقی جلد ششم کتاب را با عنوان «اوشن» اختصاص داده به ورود این کتاب به صفحه شاهزاده دوره - که به بازار جهانی، روزنامه ۸۰ صفحه ای است. هر فرهنگی که میان سینما و ادبیاتش، این قدر فاصله افتاده است، باید حسود شود.